



# خیال‌ها باطل تا گفتگو با پیتر کایوتی Peter coyote از ناکجا آباد

مترجم: میترا کیوانمهر

کمک گرفتم سپس دوست قدیمی‌ام تری بیسون به من کمک کرد دست نوشته‌هایم را جمع کنم. **○ منظور آن از عنوانی که برای کتاب انتخاب کرده‌اید چیست و چه موقع متن آن را به این صورت که هست پذیرفتید و احساس کردید کار دیگری ندارد؟**

- دقیقاً نمی‌دانم این مفهوم چه طور شکل گرفت این عنوان در ذهن من با دو حس همراه است یکی این که آن قدر بدوی که بیافتی و هیچی از تو نماند و دیگری به معنای سود بردن از شرایط است یعنی من که دراز کشیده‌ام پس می‌خواهم.

**○ انتظار دارید این اثر شما چه تاثیری بر خوانندگان داشته باشد**

- امیدوارم که خوانندگان متوجه تضاد موجود در سالهای دهه شصت بشوند که ترکیبی از آرمان‌های بلند پروازانه، افکار ژرف خیانت کاری، و افراط بود. و این که اعمال انسانی به چه صورت می‌توانند بزرگترین آرزوها و نقشه‌ها را نابود کنند.

**○ پیتر کایوتی در حال حاضر با پیتر کایوتی در سال ۱۹۶۶ چه تفاوتی دارد؟**

- او از ناکجا آمد و راه خود را می‌رود او این سفر را به پایان می‌رساند با همان نیت و کشش اولیه تا به نهایت استعدادهای خود دست پیدا کند. حالا من نسبت به گذشته صبورتر هستم و کمتر قضاوت می‌کنم و کمتر احساس نگرانی دارم. من در زمینه تمرینات ذن تجربیاتی دارم که نوعی تفکر بودایی است و سعی دارم بر سه ویژه‌گی بزرگ اما منفی یعنی حرص، نفرت و خیال باطل غلبه کنم کاری که عمری را باید صرف آن کرد.

پیتر کایوتی فارغ‌التحصیل دانشکده گریتل است او لیسانس خود را در ادبیات انگلیسی گرفت و فوق لیسانس‌اش را در نویسندگی از دانشگاه سان فرانسیسکو دریافت کرد. مدت کوتاهی نیز در کارگاه بازیگری سان فرانسیسکو شرکت کرد و سپس به کار نویسندگی، بازیگری و کارگردانی مشغول شد. اولین کتاب او به نام «خواب در جایی که افتادم» در سال ۱۹۹۸ چاپ شده است.

**○ اولین آرزوی شما این بود که یک نویسنده باشید اولین کتاب مورد علاقه شما چه بود و آخرین کتابی که خواندید؟**

- من از زمانی که یادم می‌آید و در کودکی اهل مطالعه بودم یادم هست در تابستان هفت سالگی‌ام عضو کتابخانه شدم و سی کتاب خواندم. در ضمن مجموعه کتاب‌های فانوس دریایی را مطالعه کردم من عاشق فیتز جرالده، توماس ولف، ملویل و هاتورن بودم و عادت کرده‌ام که گاهی به طور همزمان دو یا سه کتاب را با هم می‌خوانم و اخیراً جدیدترین ترجمه اودیسه را تمام کرده‌ام و همین طور بیوگرافی ملویل اثر لوران رابینسون را.

**○ چه مدت طول کشید تا کتاب «خواب در جایی که افتادم» را بنویسید از یادداشت برداری استفاده کردید؟ یا روش‌های دیگری را به کار گرفتید؟**

- حدود ده سال طول کشید تا تمام شود این داستان را به صورت یادداشت‌هایی در مجله زیزوا به چاپ می‌رساندم و دوستم به نام جک شومیکر از من خواست آن‌ها را به صورت کتاب در بیابورم برای این کار با دوستانم صحبت کردم روزنامه‌های قدیمی را خواندم و از حافظه خودم

